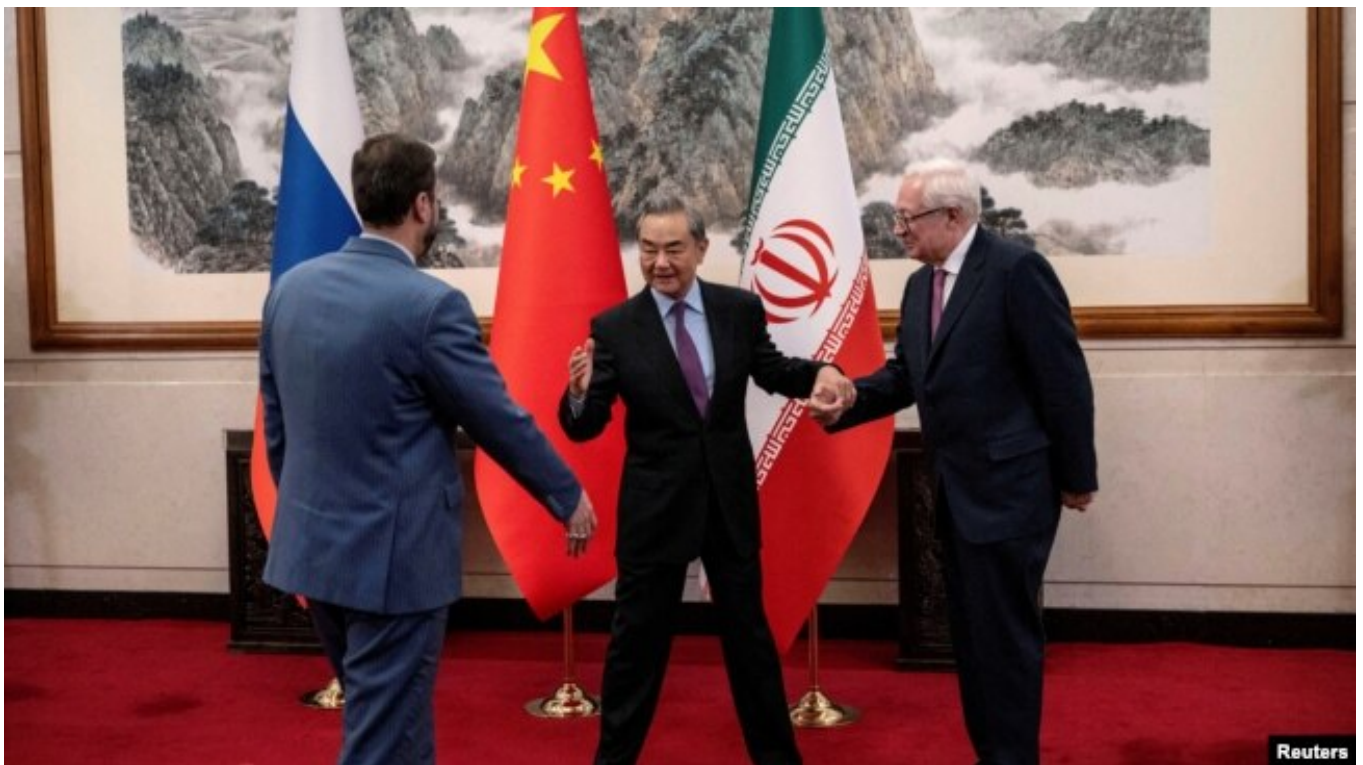


گزیده‌هایی از راديو آزادى

همکاری چهار حکومت اقتدارگرا؛ «چیراک»، چالشی تازه برای آمریکا و دموکراسی‌های غربی

الكس رثوف اوغلو

کمتر از یک دقیقه پیش



مقام‌های سه کشور ایران، چین و روسیه برای امضای یادداشت تفاهم همکاری در پکن که از جمله شامل همکاری با کره شمالی می‌شود

چین، روسیه، ایران و کره شمالی، به‌عنوان شاخص‌ترین حکومت‌های اقتدارگرای جهان، بیش از گذشته برای مقابله با فشارهای غرب به منابع، توانایی‌های نظامی و نفوذ ژئوپولیتیکی یکدیگر تکیه می‌کنند.

معضل راهبردی برای ایالات متحده دیگر صرفاً این نیست که آیا این چهار کشور با یکدیگر همکاری می‌کنند یا نه بلکه مسئله این است که همسویی آن‌ها تا چه اندازه می‌تواند موازنه قدرت را به‌طور هم‌زمان در چندین عرصه تغییر دهد.

فوریت این پرسش در میدان جنگ اوکراین به‌روشنی نمایان شده است.

ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، ۲۰ مرداد گفت در حمله هوایی روسیه با **موشک‌های بالستیک کره شمالی**، دست‌کم شش نفر کشته و حدود ۲۰ نفر زخمی شدند. این حمله در شرایطی رخ داد که

گزارش‌ها حاکی است که استقرار یک واحد موشکی کره شمالی، مجهز به حداکثر ۱۲۰ موشک بالستیک، در غرب روسیه آغاز شده است.

در همین حال، پیونگیانگ روز ۲۰ مرداد، تنها چند روز پیش از آغاز رزمایش بزرگ نظامی آمریکا و کره جنوبی، یک موشک بالستیک دیگر آزمایش کرد. این اقدام واکنش مشترک آمریکا و ۴۰ کشور دیگر را در پی داشت و نشان‌دهنده فشارهای امنیتی هم‌زمانی است که آمریکا و شرکایش در اروپا و منطقه هند - اقیانوس آرام با آن روبه‌رو هستند.

دیوید جی. کریمر، مدیر اجرایی مؤسسه جورج دبلیو. بوش و دیپلمات ارشد سابق آمریکایی، به رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی می‌گوید همکاری میان این چهار کشور، که بیش از پیش با سرواژه «CRINK» («چیراک») از آن‌ها یاد می‌شود، اکنون در عمل جریان دارد، اما هنوز با یک ائتلاف رسمی مانند ناتو فاصله زیادی دارد.

کریمر می‌گوید: «این همکاری عملاً جریان دارد، اما گزینشی است.»

این ارزیابی بازتاب‌دهنده برداشتی است که روزه‌روز طرفداران بیشتری در واشینگتن پیدا می‌کند: «چیراک» نه یک بلوک نظامی به‌شدت یکپارچه است و نه صرفاً عنوانی برای توصیف یک همگرایی سیاسی، بلکه شبکه‌ای منعطف است که اعضایش هر جا منافع مشترکی داشته باشند، به همکاری روی می‌آورند و به این ترتیب هر یک می‌توانند بخشی از آسیب‌پذیری‌های راهبردی خود را جبران کنند.

جنگ اوکراین به یکی از عرصه‌های اصلی تبادل توانایی‌های نظامی میان اعضای «چیراک» تبدیل شده است.

پهپادهای «شاهد» ساخت ایران در ماه‌های نخست تهاجم گسترده روسیه به اوکراین نقش مهمی در پیشبرد عملیات تهاجمی مسکو داشتند.

در همین حال، نقش کره شمالی در این جنگ به‌طور چشمگیری گسترش یافته است. پیونگیانگ برای پشتیبانی از جنگ روسیه نیرو اعزام کرده است. در برآوردهای اولیه، شمار نیروهای اعزامی کره شمالی ۱۲ تا ۱۵ هزار نفر اعلام شده بود، اما گزارش‌های بعدی از حضور احتمالی تا ۵۰ هزار نیروی کره شمالی حکایت دارد. کره شمالی همچنین موشک‌های بالستیک در اختیار روسیه گذاشته است.

بیشتر در این باره:

ایالات متحده و ایران؛ بیش از چهار دهه دشمنی و درگیری



همکاری عملی

چین کمتر به‌طور مستقیم وارد عرصه نظامی شده، اما نقش آن همچنان مهم است.

پکن با خرید انرژی از روسیه به تأمین منابع مالی مورد نیاز مسکو برای ادامه جنگ کمک کرده و در عین حال فناوری‌های دارای کاربرد دوگانه در اختیار روسیه قرار داده است.

کریمر می‌گوید: «همه این کشورها از یکدیگر حمایت کرده و یکدیگر را تقویت کرده‌اند.»

این همکاری همچنین به آن‌ها امکان داده از تجربه‌های نظامی یکدیگر بیاموزند و فناوری نیز میان‌شان منتقل شود. کریمر خاطرنشان می‌کند که روسیه نسخه خود از پهپادهای «شاهد» ایران را توسعه داده و کره شمالی نیز از اعزام نیرو و تأمین موشک برای روسیه بهره برده و ظاهراً در مقابل، فناوری‌هایی از مسکو دریافت می‌کند.

این چهار کشور پیمان دفاع متقابل، ساختار فرماندهی مشترک یا دکترین راهبردی الزام‌آوری ندارند. تحلیلگران می‌گویند به نظر نمی‌رسد ایدئولوژی مشترکی نیز آن‌ها را به یکدیگر پیوند دهد، جز مخالفت با غرب و به‌ویژه مخالفت مشترک‌شان با نظم جهانی تحت رهبری آمریکا.

تحلیلگران مؤسسه لووی، اندیشکده مستقل سیاست بین‌الملل در سیدنی استرالیا، می‌گویند: «این همکاری تاکنون برای آن‌ها ثمراتی داشته است؛ به تداوم جنگ‌ها کمک کرده، حکومت‌های تحت فشار را سر پا نگه داشته و به فرسایش هنجارهای دموکراتیک کمک کرده است. با این حال، دامنه آن محدود است: روابط اعضای این مجموعه بیش از هر چیز بر بده‌بستان و منفعت متقابل استوار است، رهبری مشخصی ندارد و منافع متعارض اعضا در آن شکاف ایجاد کرده است؛ ضمن آن‌که هیچ طرح مشترکی برای ایجاد یک نظم جایگزین ندارند.»

چین همچنان دست بالا را در روابط با روسیه دارد و وابستگی مسکو به پکن به‌مراتب بیشتر از وابستگی پکن به مسکو است.

با این حال، پکن از ارائه آن میزان حمایت مستقیمی که احتمالاً کرملین پس از اعلام «دوستی بدون محدودیت» دو کشور در سال ۲۰۲۲ انتظار داشت، خودداری کرده است.

چین در عین حال تعمیق روابط روسیه با کره شمالی را از نزدیک دنبال می‌کند؛ تحولی که به‌گفته کریمر چندان خوشایند پکن نیست. با این حال، این اختلاف‌ها مانع همکاری عملی میان آن‌ها نشده است.

کریمر می‌گوید: «فکر می‌کنم این وضعیت چالش بزرگ‌تری ایجاد می‌کند، چون موضوعی که ظاهراً بر سر آن اتفاق نظر دارند، تلاش برای تضعیف کشورهای همسایه یا دموکراسی و به‌ویژه نقش و اعتبار ایالات متحده است.»

البته این به معنای آن نیست که «چیراک» یک بلوک ژئوپولیتیکی یکپارچه است. اعضای این گروه، هر جا منافع مشترکی داشته باشند، با یکدیگر همکاری می‌کنند و هر زمان این همکاری به پیشبرد اهداف راهبردی‌شان کمک کند، از یکدیگر حمایت می‌کنند.

کریمر به گروه بریکس اشاره می‌کند و می‌گوید تلاش‌ها برای ایجاد انسجام و وحدت میان مجموعه گسترده کشورهای عضو آن چندان موفق نبوده است. در مقابل، «چیراک» زمانی بیشترین کارایی را داشته که اعضای آن منافع مشترک روشنی پیدا کرده‌اند یا یکی از آن‌ها توانسته نیازهای دیگری را برطرف کند.

نگاه واشینگتن به تهدیدهای به‌هم‌پیوسته

این برداشت از تهدیدها بر بحث‌ها در واشینگتن نیز اثر گذاشته است. قانون‌گذاران و تحلیلگران امنیت ملی آمریکا بیش از پیش درگیری‌های منطقه‌ای را به هم مرتبط می‌بینند و آن‌ها را بخشی از یک چالش راهبردی بزرگ‌تر می‌دانند.

سناتور جمهوری خواه جان کرتیس، عضو کمیته روابط خارجی سنا، تأکید می‌کند که نتیجه جنگ در اروپای شرقی مستقیماً بر توان بازدارندگی آمریکا و متحدانش در منطقه هند - اقیانوس آرام تأثیر می‌گذارد.

او به رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی می‌گوید: «اگر به پوتین اجازه داده شود در اوکراین پیروز شود، این موضوع تأثیر چشمگیری بر بسیاری از نقاط دیگر جهان خواهد گذاشت.» او به‌طور مشخص به اهداف

پکن در قبال تایوان اشاره می‌کند و می‌افزاید: «تردیدی نیست که آن‌ها واکنش ما را زیر نظر دارند.»

سناتور ریک اسکات، جمهوری‌خواه ایالت فلوریدا، نیز اخیراً در مصاحبه با رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی دیدگاهی مشابه مطرح کرد و مقابله با تجاوز روسیه را برای بازداشتن شبکه گسترده‌تر حکومت‌های اقتدارگرا ضروری دانست.

مارک مونتگمری، دریادار بازنشسته و مدیر ارشد مرکز نوآوری سایبری و فناوری در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها و از نویسندگان کتاب «محور متجاوزان»، نیز به رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی گفته که پژوهش‌هایش بیش از ۶۰۰ مورد همکاری میان این چهار کشور را مستند کرده است.

مونتگمری ارزیابی صریحی ارائه می‌دهد، به این ترتیب که اوکراین عملاً هم‌زمان با توانایی‌ها و امکاناتی مواجه است که هر چهار کشور در اختیار جنگ روسیه گذاشته‌اند. تهران توانایی‌های پهبادی در اختیار روسیه قرار داده، پیونگیانگ نیروی انسانی و مهمات تأمین کرده، پکن قطعات دارای کاربرد دوگانه فرستاده و مسکو نیز تجربه تاکتیکی در اختیار دیگران گذاشته و ظاهراً در مقابل، فناوری نظامی ارائه می‌کند.

بیشتر در این باره:

هشدار مارک مونتگمری: آمریکا محور ایران، روسیه، چین و کره شمالی را دست‌کم گرفته است



به این ترتیب، شبکه‌ای شکل گرفته که می‌تواند خود را با فشارهای تازه تطبیق دهد. هرگاه یکی از این کشورها زیر فشار قرار بگیرد، همکاری سه کشور دیگر می‌تواند بخشی از آثار آن فشار را جبران کند.

در همین حال، مسکو و پکن از ابزارهایی مانند حق وتو در سازمان ملل و اقدامات دیگر برای جلوگیری از تلاش‌های بین‌المللی با هدف اعمال فشار بر متحدان و شرکای خود استفاده کرده‌اند.

مقابله با این شبکه

با این حال، به‌گفته تحلیلگران، اعضای «چیراک» شکست‌ناپذیر نیستند. یکی از نقاط ضعف این چهار کشور این است که ائتلاف رسمی و سازمان‌یافته‌ای ندارند.

چین منافع خاص خود را دارد و میزان حمایت مستقیم نظامی‌اش از روسیه را محدود نگه داشته است. پکن همچنین از تعمیق روابط مسکو و پیونگیانگ ناخشنود است و این چهار کشور نیز فاقد دکترین راهبردی مشترک هستند.

دیوید کریمر معتقد است آمریکا و متحدانش باید به‌جای برخورد با تهدیدهای ناشی از این چهار کشور به‌عنوان مسائلی جداگانه، همکاری خود را در اروپا، آسیا و خاورمیانه افزایش دهند.

او همچنین خواستار اقدامات قاطع‌تری، از جمله استفاده از «قانون جهانی مگنیتسکی»، شد؛ قانونی که به ایالات متحده اجازه می‌دهد مقام‌ها و افراد دخیل در نقض فاحش حقوق بشر و فساد را تحریم کند. به‌گفته او، تحریم‌های گسترده‌تر نیز می‌تواند با شدت بیشتری علیه این چهار حکومت به کار گرفته شود.

اما کریمر تأکید می‌کند که کمک نظامی به اوکراین همچنان مهم‌ترین بخش پاسخ غرب به این تهدیدهاست.

او می‌گوید «حمایت نظامی از اوکراین کاملاً حیاتی است» و به ادامهٔ حملات روسیه با موشک‌های کروز و بالستیک و نیاز فوری اوکراین به موشک‌های رهگیر اشاره می‌کند.

در حال حاضر، اوکراین مهم‌ترین صحنهٔ آزمون پیش روی غرب است. کمبود سامانه‌های پدافند هوایی نیز غیرنظامیان و زیرساخت‌های این کشور را در برابر حملات روسیه با پهپادهای «شاهد» ساخت ایران و موشک‌های کره شمالی آسیب‌پذیر کرده است.

اما پیامدهای این وضعیت به اروپا محدود نمی‌شود. کریمر خاطرنشان می‌کند که تایوان از بزرگ‌ترین حامیان اوکراین است، زیرا به این نکته واقف است که نحوهٔ واکنش غرب به جنگ روسیه بر محاسبات چین دربارهٔ تایوان تأثیر خواهد گذاشت.

از این منظر، جنگ اوکراین و تحولات هند - اقیانوس آرام از نظر راهبردی به یکدیگر گره خورده‌اند. آمریکا و متحدانش ممکن است از نظر جغرافیایی با بحران‌هایی جداگانه روبه‌رو باشند، اما حکومت‌هایی که این چالش‌ها را ایجاد می‌کنند، بیش از پیش قادرند از یکدیگر حمایت کنند.

واشینگتن هم‌زمان با تهدیدهایی در اروپا، منطقهٔ هند - اقیانوس آرام و خاورمیانه روبه‌روست. اما اگر هر یک از این بحران‌ها جداگانه بررسی شوند، همکاری و حمایت متقابل روسیه، چین، ایران و کره شمالی به راحتی نادیده گرفته خواهد شد.

«چیراک» برای تبدیل شدن به چالشی جدی برای منافع غرب نیازی ندارد که به یک ائتلاف رسمی بدل شود. به گفتهٔ کریمر، کافی است چین، روسیه، ایران و کره شمالی همچنان حوزه‌هایی را پیدا کنند که همکاری در آن‌ها به سود همه باشد و بتواند هر یک از آن‌ها را در برابر فشارهای آمریکا و متحدانش، از نگاه خودشان، تقویت کند.

* در این گزارش، برای اشاره به چهار کشور چین، روسیه، ایران و کره شمالی که در ادبیات سیاسی انگلیسی با سرواژهٔ CRINK از آن یاد می‌شود، از سرواژهٔ فارسی «چیراک» استفاده شده است.

این مطلب بخشی از:

گزیده‌هایی از رادیو آزادی

فراتر از خبر

بایگانی

جهان